# روش‌های تبلیغی پیامبر اسلام, در قرآن و روایات

دادمحمد امیری*

## چکیده

شناخت و مطالعه روش‌های تبلیغی پیامبر اسلامﷺ اهمیت ویژه‌ای داشته و از مباحث مهم تبلیغی به شمار می‌آید. شناخت این روش‌ها می‌تواند راه‌های نفوذ در دل‌های مخاطبان و ترویج دین را در عصر حاضر به ما بنمایاند. مهم‌ترین منبع برای به دست آوردن روش‌های تبلیغی رسول اکرمﷺ، قرآن کریم و روایات معصومانعليهم‌السلام است. بر همین اساس نگارنده پس از تعریف تبلیغ در لغت و اصطلاح، اهمیت و جایگاه تبلیغ، تبلیغ در سیره انبیاءعليهم‌السلام مهم‌ترین روش‌های تبلیغی پیامبر اسلامﷺ مانند روش بشارت و انذار، روش بیان تاریخ و سرنوشت پیشینیان، روش ارائه الگو، روش چهره به چهره، روش گام‌به‌گام و روش نمایش عملی را در قرآن کریم و روایات بررسی نموده است.

**واژگان کلیدی:** تبلیغ، روش تبلیغ، سیره تبلیغی، سیره انبیاء.

---

*. دانش‌پژوه دکترای تفسیر تطبیقی جامعه المصطفی, العالمیه واحد مشهدمقدس، Email:dma1359@gmail.com.

## مقدمه

هر مکتبی پیامی برای جامعه دارد و مردم را به پذیرش آن فرامی‌خواند و در این جهت از روش‌های ویژه‌ای بهره می‌جوید که با اهداف اصلی آن مکتب وابسته است. تمامی پیامبران از حضرت آدم علیه‌السلام تا حضرت محمد ﷺ از جانب خداوند مبعوث شدند تا انسان را از ظلمت و جهل به نور علم هدایت کنند. دین اسلام به همت نبی اکرم، حضرت محمد ﷺ در سرزمین حجاز ظهور یافت. سرزمینی که نشانی از تمدن و فرهنگ در خود نداشت. اهل آن به تجاوز و غارت تفاخر می‌کردند، حق و حقوق بر مدار قدرت بود. در چنین جامعه‌ای پیامبر گرامی اسلام ﷺ مبعوث گشت. او عرب را از تاریکی‌ها به‌سوی نور هدایت کرد؛ و از آنان امتی پدید آورد که از گمنامی به‌سوی شهرت رفتند. در همین سرزمین، انسان‌هایی تربیت شدند که زمینه را برای پیدایش تمدن بزرگ اسلامی فراهم کردند.

امروزه برای موفقیت در تبلیغ دین باید سیره‌ی تبلیغی رسول اکرم ﷺ مورد مطالعه قرار گیرد و ببینیم پیامبر ﷺ چگونه توانست در مدتی کوتاه و با کمترین امکانات، از یک جامعه بدوی و جاهلی، یک جامعه متمدن، عدالت‌خواه و اسلامی بسازد؟ چطور مردم از منزل نفس، رهانیده شده، به‌سوی حق سوق پیدا کردند. از خود رها شده و به خدا رسیدند. مطالعه شیوه‌های رفتار و تعامل رسول اکرم ﷺ به‌عنوان برجسته‌ترین فرستاده الهی با گروه‌های مختلف مردم ازجمله مباحث مهم به شمار می‌رود. شناخت این شیوه‌ها می‌تواند راه‌های نفوذ در دل‌های مخاطبان تبلیغ و ترویج دینی را در عصر حاضر به ما بنمایاند. در این نوشتار سعی شده برخی از روش‌های تبلیغی پیامبر خاتم ﷺ بررسی شود.

## فصل اول: مفهوم شناسی

## مبحث اول: تبلیغ

### گفتار اول: تبلیغ در لغت

«تبلیغ» واژه‌ای عربی، ثلاثی مزید و مصدر باب تفعیل است. معنای لغوی آن رسانیدن و واصل کردن، رسانیدن پیغام و جز آن و رسانیدن عقاید دینی یا غیر آنها با وسایل ممکن است

(هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۱۳۱). راغب اصفهانی در مفردات می‌نویسد: بلوغ و ابلاغ یعنی به انتهای مقصد رسیدن و یا انجام دادن کاری در پایان زمان و مکانی معیّن و بسا گاهی مقصود از بلوغ یعنی به پایان رسیدن، تسلّط یافتن و اشراف داشتن به چیزی، تعبیر شود هر چند که به انتهایش نرسیده باشند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۴۴).

## گفتار دوم: تبلیغ در اصطلاح

برای تبلیغ معانی فراوانی ارائه شده که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. در مجموع می‌توان تبلیغات را نوعی تلاش کم‌وبیش منتظم و جامع برای تحت نفوذ و تأثیر قرار دادن عقاید، نگرش‌ها و یا اعمال دیگران با استعانت از نمادها، کلمات، اشارات، موسیقی، فیلم و ... تعریف کرد (افتخاری،۱۳۷۷، ص ۲۵).

۲. تبلیغ اسلامی، دانشی است که به‌وسیله‌ی آن کلیه‌ی تلاش‌های هنری در جهت ابلاغ محتوای اعتقادی و احکام و شرایع و تعالیم اخلاقی اسلام به مردم شناسانده می‌شود (کرمی، ۱۳۸۳، ص ۸).

۳. تبلیغ به معنای آشنا نمودن مردم با احکام اسلامی و معارف الهی و بشارت دادن مؤمنان به بهشت و نعمت‌های خدا و هشدار به مخالفین خدا است (الهی، بی‌تا ص ۸۶).

۴. تبلیغ عبارت است از روش‌های مهم به‌هم‌پیوسته، در غالب یک مجموعه برای بسیج کردن و جهت دادن به نیروهای فردی و اجتماعی از طریق نفوذ در شخصیت، افکار، عقاید و احساسات افراد جهت رسیدن به یک هدف مشخص (کرمی،۱۳۸۳ ص ۸).

اگر بخواهیم تعریفی جامع و مختصری – با توجه به تعریف‌های ارائه‌شده و معنای لغوی– از تبلیغ داشته باشیم می‌توان گفت «تبلیغ رساندن پیام به مخاطب به‌منظور ایجاد تغییر و دگرگونی در بینش و رفتار آنان است»؛ از آنجا که هر مکتبی پیامی برای جامعه دارد و مردم را به پذیرش آن فرامی‌خواند و در این جهت از روش‌های ویژه‌ای بهره می‌جوید، این تعریف، روش‌های تبلیغی غیردینی را نیز شامل می‌شود. منظور ما از روش‌های تبلیغی در این تحقیق راه‌کارهای عملی است که برگرفته از سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن و روایات است تا بتوان

به‌وسیله این روش‌ها در مخاطب بینش و بصیرت دینی ایجاد کرد و ظهور آن را در رفتارشان مشاهده کنیم.

## مبحث دوم: اهمیت و جایگاه تبلیغ

در جهان امروز که بحران‌های فرهنگی در صدد تهی کردن انسان از معنویت می‌باشند، تبلیغ دین و ارزش‌های نشأت‌گرفته از آن به جهت مقابله با این بحران‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. امروزه بخش عمده‌ای از بودجه‌ی عظیم هر کشوری صرف این تبلیغات می‌شود. شناسایی مکتب‌ها، نظام‌ها و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و اجتماعی و غیر آن از همین طریق صورت می‌پذیرد. جذب ملت‌ها و توده‌های مردمی و تأمین منافع دولت‌ها، ملت‌ها، شرکت‌ها و نظایر آن‌ها بر این محور بار است. در استعمار مدرن، به‌جای اقدام آشکار در تجاوز، کشتار و غارت، با بهره‌گیری از ایستگاه‌ها و مراکز تبلیغاتی همچون خبرگزاری‌ها، مطبوعات، رادیو، تلویزیون، سینما و دستگاه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای، به نابود کردن فکر و معنویت از طریق تبلیغات اقدام می‌کنند. امروز دستگاه‌های تبلیغاتی با به‌کارگیری ابزار و شیوه‌های نوین تبلیغی و با مساعدت و حمایت مادی و معنوی، اقدام به تزریق و تلقین بینش و منش جدید و تحریف ارزش‌ها و سنت‌های ملی و مذهبی و افکار و عقاید می‌نمایند(گلستانی، ۱۳۸۶ ص ۵۹ و ۶۰). امام خمینی قدس سرّه در این زمینه می‌فرماید:

«تبلیغات مسئله‌ای است پراهمیت و حساس، یعنی دنیا با تبلیغات حرکت می‌کند. آن قدری که دشمنان ما از حربه تبلیغات استفاده می‌کنند از طریق دیگری نمی‌کنند؛ و ما هم باید به مسئله تبلیغات بسیار اهمیت دهیم و از همه چیزهایی که هست، بیشتر به آن توجه کنیم. باید تبلیغات فرهنگی ما خصوصاً در رادیو و تلویزیون بیشتر باشد؛ چرا که الآن وضع طوری شده است که آن روستایی که در صحرا مشغول امر کشاورزی می‌باشد هم به رادیو گوش می‌دهد و در بعضی نقاط تلویزیون هم هست. آن قدری که رادیو و تلویزیون می‌تواند به مردم خدمت کند، روزنامه‌ها و دستگاه‌های دیگر نمی‌توانند خدمت کنند. شما می‌دانید که تبلیغات خارجی علیه ما زیاد است؛ شما باید با تبلیغ فرهنگ اسلامی، به دروغ‌پراکنی‌های صداهای خارجی پاسخ دهید» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج۱۷، ص ۲۴۳).

## فصل دوم: سیره‌ی تبلیغی انبیاء علیهم‌السلام

با مراجعه به قرآن کریم درمی‌یابیم که مهم‌ترین مأموریت انبیاء علیهم‌السلام رساندن پیام خداوند به انسان بوده است. این مأموریت ابعاد مختلفی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### مبحث اول: دعوت مردم به یکتاپرستی

دعوت مردم به توحید و پرستش خدا سرلوحه تعالیم انبیا علیهم‌السلام است (هود، ۲۶). آن‌ها با زبانی شیوا و آرام و متین (طه، ۴۴) و مطابق با درک و شعور افراد این مسئولیت خود را انجام می‌دادند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۱، ص ۸۵) و با بیان نعمت‌های الهی و پاداش‌های دنیوی و اخروی مردم را به عبادت الهی فرامی‌خواندند. بیان نعمت‌های الهی و آگاهی نسبت به آن‌ها، انسان را به عبادت خدا تشویق و ترغیب می‌کند.

### مبحث دوم: مبارزه با شرک

دومین مأموریت انبیا مبارزه با شرک و خرافات است. از آدم‌پرستی گرفته تا ماه و خورشیدپرستی تا سنگ و چوب پرستی تا ملّیت و مدرک پرستی و تا مقام و پول و هواپرستی و سایر شاخه‌ها و مویرگ‌های شرک که باید با دست توانای انبیا علیهم‌السلام برچیده شود. حضرت ابراهیم علیه‌السلام با آن همه سخنان نرم با عموی بت‌پرست خود(شعرا/۷۰ تا ۸۲) و با آن همه استدلال‌های زیبا برای نمرود(بقره/۲۵۸) و با آن روش ابتکاری خود برای خورشید و ماه پرستان (انعام/۷۶ تا ۷۹)، همین که دریافت سخن و استدلال دیگر اثر ندارد، فریاد زد که من بت‌های شما را در آینده‌ای نه‌چندان دور درهم می‌کوبم (أنبیاء، ۵۷) و چنین هم کرد؛ زیرا آنجا که نصیحت و موعظه و استدلال اثر ندارد با یک عمل قاطع و انقلابی باید فطرت‌های خفته مردم را بیدار نمود. لذا ابراهیم را می‌بینیم در روزی که شهر خلوت شد تبر خویش را برداشت و به بتکده رفت و بت‌ها را قطعه‌قطعه کرد و تبر را به گردن یکی از بت‌های بزرگ‌تر انداخت و رفت(أنبیاء، ۵۸). همین‌که مردم به شهر بازگشتند و شکسته شدن بت‌ها را دیدند از یکدیگر پرسیدند: کدام ظالم خدایان ما را این چنین درهم کوبیده است؟(أنبیاء، ۵۹) چیزی نگذشت که

متوجه ابراهیم شدند و گفتند: این عمل تنها کار اوست. ابراهیم همیشه از بت‌ها و بت‌پرستی ما شدیداً انتقاد می‌کرد. اکنون باید او را دستگیر و در برابر مردم احضارش کنیم تا هم او به ظلم خود اقرار کند و هم ما عمل او را محکوم کرده، به جزای کارش برسانیم.

ابراهیم علیه‌السلام را آوردند و از او پرسیدند: گفتند: ای ابراهیم، آیا تو با خدایان ما چنین کردی؟(أنبیاء، ۶۲) گفت: اگر بت بزرگ سخن می‌گوید از او بپرسید(أنبیاء، ۶۳). مردم به یکدیگر نگاه کرده، پیش خود گفتند: بت که حرف نمی‌زند(أنبیاء، ۶۵). ابراهیم علیه‌السلام که منتظر چنین صحنه‌ای بود و دید بت‌پرستان به خود آمدند و سرهایشان را به زیر افکندند، فریاد زد آیا عبادت می‌کنید بت‌هایی را که قادر بر نفع و ضرر شما نیستند؟ آیا تعقّل نمی‌کنید؟(أنبیاء، ۶۶ و ۶۷)

این ماجرا بیانگر یکی از کارهای پیامبران بزرگوار است که چگونه یک تنه برای مبارزه با شرک و خرافات و بیدار کردن وجدان‌های خفته، دل به دریا زده، به استقبال خطر می‌رفتند، آنان حتی حاضر بودند برای نجات مردم از آتش قیامت، آتش دنیا را تحمّل کنند.

## مبحث سوم: مبارزه با طاغوت

مبارزه با طاغوت در رأس برنامه‌های انبیاء علیهم‌السلام قرار دارد: « وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِی کُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ... »، ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!»(نحل،۳۶) و این مبارزه زمینه‌ساز توحید است، زیرا تا خدایان دروغین نفی نشوند ما به «اللّه» نمی‌رسیم. در جمله «لااله الّا اللّه» که شعار توحیدی ماست، ابتدا با «لااله» تمام طاغوت‌ها نفی می‌شود و سپس با «الله» آشنا می‌شویم تا ظرف دل از غیر خدا پاک نشود جای خدا نخواهد بود. خداوند به موسی علیه‌السلام خطاب می‌کند که به سراغ فرعون برو زیرا او طغیان کرده است: «اذْهَبْ إِلَی فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَی»(طه، ۲۴)؛ «به سوی فرعون برو؛ زیرا او [در برابر خدا] سرکشی کرده است».

## مبحث چهارم: دعوت مردم به خوبی‌ها

پیامبر اسلامﷺ همواره مردم را به کارهای نیک و معروف سفارش می‌کرد: «اَلَّذینَ یَتَّبِعُونَ اَلرَّسُولَ اَلنَّبِیَّ اَلْأُمِّیَّ اَلَّذی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِنْدَهُمْ فِی اَلتَّوْراةِ وَ اَلْإِنْجیلِ یَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ...» (اعراف، ۱۵۷)؛ «همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آنها را به معروف دستور می‌دهد...». رسول اکرمﷺ مردم را از غارت‌گری به ایثار، از بت‌پرستی به خدا، از تفرقه به وحدت، از قتل به اخوّت، از اسراف به زهد، از جهل به علم، از ظلم به عدالت، از تبعیض به تساوی، از غرور به تواضع و از شرک به اخلاص رساند و یک انقلاب بزرگ فرهنگی به معنای وسیع و جامع و واقعی به وجود آورد و این، مسئولیّتی است که بر دوش همه پیامبران الهی علیهم‌السلام بوده است.

## مبحث پنجم: بازداشتن مردم از بدی‌ها

یکی از کارهای انبیا علیهم‌السلام، نهی از منکر و مبارزه با مفاسد است: «اَلَّذینَ یَتَّبِعُونَ اَلرَّسُولَ اَلنَّبِیَّ اَلْأُمِّیَّ اَلَّذی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِنْدَهُمْ فِی اَلتَّوْراةِ وَ اَلْإِنْجیلِ ... وَ یَنْهاهُمْ عَنِ اَلْمُنْکَرِ» ...(اعراف، ۱۵۷)؛ «همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امّی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛...و آنها را از منکر باز می‌دارد...»

رسول خداﷺ با همه مفاسد مبارزه کرد: آدمکشی، فرزندکشی، سجده برای شاهان در ایران و برای بت‌ها در عربستان و شیوع ربا و مشروبات. راستی چه خدمتی برای نجات انسان‌ها از مبارزه با این منکرات باارزش‌تر است (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۶).

اگر مردم جهان با زندگی و فداکاری رهبران آسمانی و مصلحان واقعی آشنا شوند، هرگز رهبرانی را که به نام حمایت از کارگران و محرومان در بهترین کاخ‌ها زندگی می‌کنند و فیلسوف نمایانی که به نام علم و فلسفه، میلیون‌ها انسان را به نیستی کشانده‌اند، بر پیشوایان معصوم علیهم‌السلام ترجیح نمی‌دادند و خط مستقیم انبیا علیهم‌السلام را دنبال می‌کردند.

## فصل سوم: پیامبر اسلام ﷺ و مسئله تبلیغ

سیره‌ی تبلیغی رسول اکرم ﷺ یکی از مهم‌ترین ابعاد و جنبه‌های زندگی آن حضرت است که باید مورد بررسی قرار گیرد. حضرت محمد ﷺ با به‌کارگیری روش‌های مؤثر توانست ساکنان جزیرةالعرب را وادار به دست کشیدن از باورهای دیرینه و گرویدن به آیین نو کند و جامعه‌ای که به لحاظ فرهنگی و تمدن، بسیار ابتدایی، بسیط، غریزه محور، مردسالار، خرافه‌پرست و به لحاظ اجتماعی دارای ساختاری ازهم‌گسیخته و فاقد همگرایی اجتماعی بود را به سمت‌وسوی جامعه‌ای متمدن و دارای دانش و بینش و اخلاق رهنمون سازد و با بهره‌گیری از آموزه‌های بسیار عمیق خویش به ابلاغ رسالت و تغییر هاضمه‌ی فرهنگی جامعه‌ی خویش بپردازد. او که توانست گرانبارترین معانی را با ظریف‌ترین شکل آن به خورد مردم دهد و آنان را به هم‌گرایی، رهبری واحد، مهرورزی، عزتمندی و کرامت سوق دهد و جامعه‌ای را مهندسی کند که احقاق حق، حقوق شهروندی، حقوق اقلیت‌ها و حقوق خانواده به شایستگی نهادینه شود.

بهره‌گیری از روش‌های مرتبط با روح و فرهنگ انسان‌ها و استفاده‌ی بهینه از شرایط، در کنار برخورداری پیام از حقیقت و راستی، ابزاری مناسب برای گسترش و همگانی ساختن پیام است. پیامبر اسلام ﷺ در تبلیغ و اعلام دین اسلام و گسترش معارف الهی از بهترین روش ممکن بهره گرفت و به همین دلیل در مدت نه چندان زیادی توانست بنیان‌گذار یکی از ادیان پرطرفدار جهان باشد. پیامبر ﷺ در پرتو شیوه‌ها و روش‌های خاص تبلیغی توانست پیام الهی را به گوش همه برساند و در اندک مدتی به یکی از قدرتمندترین حاکمان جهان در زمان خود تبدیل شود و پیام او برای همیشه از مناره‌های جهان اسلام طنین‌انداز شود.

از آنجا که اسلام تنها مکتب جهانی و جاودانی است و مسؤولیت هدایت تمام انسان‌های جهان را عهده‌دار است و این مهم بر دوش مسلمانان و به‌ویژه پیامبر اسلام ﷺ است که باید احکام و دستورات اسلام را به اقصی نقاط جهان برسانند و به تبلیغ و ترویج احکام و معارف

اسلامی به‌عنوان بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین رسالت اقدام کنند، عظمت این موضوع کاملاً مبرهن می‌شود. ازاین‌رو پیامبر اسلامﷺ در نخستین روزهای بعثت از جانب خداوند متعال مأمور به انذار می‌گردد:«يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ» (مدثر/ ۱ و ۲)؛ «ای کشیده ردایِ شب بر سر، برخیز و بترسان».

قرآن کریم پیامبر اسلامﷺ را مأمور ساخت که هرگز از پای ننشیند و از تبلیغ و مبارزه با شرک و بت‌پرستی آرام نگیرد (هود، ۱۱۲) و در برابر خواست سران کفر و وعد و وعیدهایی که داده بودند فرمود: «وَ اللَّهِ لَوْ وُضِعَتِ الشَّمْسُ فِي يَمِينِي وَ الْقَمَرُ فِي شِمَالِي مَا تَرَكْتُ هَذَا الْقَوْلَ حَتَّى أُنْفِذَهُ أَوْ أُقْتَلَ دُونَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۹، ص ۶۴)؛ «به خدا قسم اگر خورشید را در دست راستم قرار دهند و ماه را در دست چپم، از این گفته دست برنمی‌دارم تا اینکه آن را انتشار دهم، یا در راه آن کشته شوم». در سیره‌ی پیامبرﷺ تبلیغ همان رسانیدن پیام حق و فرمان‌های الهی به کلیه‌ی افراد بشر و تشویق و دعوت آنان به اطاعت و پیروی از حق و حقیقت و شناساندن بدی‌ها و پلیدی‌ها و ترسیم و ارائه‌ی شیوه‌های مبارزه و ستیز با آن‌هاست.

بدون تبلیغ سیره‌ی رسول خداﷺ و ائمه‌ی اطهار علیه‌السلام برای توده‌های مردمی در تاریخ روشن نمی‌گردد و انسان‌های قرون بعد از معصومینعلیهم‌السلام نمی‌توانند به احکام الهی و صفات اسوه‌های انسانیت دسترسی پیدا کنند. مبارزه با هرگونه فساد و انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی و تبلیغات گسترده‌ی اسلامی در پرتو تبلیغ امکان‌پذیر است و هرگونه کوتاهی در این امر بی‌تفاوتی نسبت به فرهنگ غنی اسلام و ارزش‌های الهی است و فلسفه‌ی تأکیدات آیات و روایات بر لزوم قیام در راستای انجام این مسؤولیت و پرهیز از بی‌تفاوتی در همین راستاست.

ازاین‌رو، تبلیغ در اسلام با عرف جهانی فرق می‌کند؛ چون در مفهوم اسلامی و سیره‌ی نبویﷺ تبلیغ همان ارائه‌ی سیمای اسلام از طریق برهان و دلیل بر اساس افکار و شعور مخاطبین و شرح ارزش‌های الهی و بیان مقام والای رهبران آسمانی است.

## فصل چهارم: روش‌های تبلیغی رسول اکرمﷺ

رسول اکرمﷺ در تبلیغ و اعلام دین اسلام و گسترش معارف الهی از روشهای متعددی بهره گرفت. در ادامه این روش‌های رسول اکرمﷺ را در دو دسته روش‌های مستقیم و روش‌های غیر مستقیم بررسی می‌کنیم:



### مبحث اول: روش‌های مستقیم

#### گفتار اول: بشارت و انذار

یکی از روش‌های تبلیغی پیامبرﷺ، انذار و تبشیر بود که قرآن کریم می‌فرماید: « یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاکَ شَاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِیراً» (أحزاب، ۴۵)؛ «ای پیامبر، ما تو را [به سِمَتِ] گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم». بشارت و انذار یا تشویق و تهدید بخش مهمی از انگیزه‌های تربیتی و حرکت‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهد، آدمی هم باید در برابر انجام کار نیک تشویق شود و هم در برابر کار بد کیفر ببیند تا آمادگی بیشتری برای پیمودن مسیر اوّل و گام نگذاردن در مسیر دوّم پیدا کند. تشویق به‌تنهایی برای رسیدن به تکامل فرد یا جامعه کافی نیست؛ زیرا انسان در این صورت مطمئن است انجام گناه خطری برای او ندارد.

اینکه بعضی‌ها تصور می‌کنند تنها تشویق برای تربیت انسان (اعم از کودکان و بزرگ‌سالان) کافی است و باید تنبیه و تهدید و کیفر را به کلی شست و کنار گذاشت، سخت در اشتباه‌اند؛ همان‌گونه که افرادی که پایه تربیت را تنها بر ترس و تهدید می‌گذارند و از جنبه‌های تشویقی غافل‌اند نیز گمراه و بی‌خبرند. این هر دو گروه در شناخت انسان در اشتباه‌اند، چرا که توجّه ندارند که انسان مجموعه‌ای است از بیم و امید، از حبّ ذات و علاقه به حیات و نفرت از فنا و نیستی، ترکیبی است از جلب منفعت و دفع ضرر. آیا انسانی که ابعاد روح او را این دو تشکیل می‌دهد ممکن است پایه تربیتش تنها روی یک قسمت باشد. مخصوصاً تعادل میان این دو لازم است که اگر تشویق و امید از حد بگذرد باعث جرئت و غفلت است و اگر بیم و انذار بیش از اندازه باشد نتیجه‌اش یأس و نا امیدی و خاموش شدن شعله‌های عشق و

تحرک است. درست به همین دلیل در آیات قرآن نذیر و بشیر و یا انذار و بشارت در کنار هم قرار گرفته است و حتی گاهی بشارت بر انذار مقدم است مانند آیه ۱۱۹ سوره بقره (بشیرا و نذیرا) و گاه به عکس نذیر بر بشیر تقدم یافته است (أعراف، ۱۸۸).

از مجموع ۱۷ موردی که تبشیر و انذار پیامبران علیهم‌السلام در کنار هم ذکر شده، در ۱۳ مورد بشارت بر انذار مقدم گردیده است. این تقدیم بشارت بر انذار ممکن است به خاطر این باشد که در مجموع رحمت خدا بر عذاب و غضب او پیشی گرفته است چنان که در دعای جوشن کبیر می‌خوانیم: «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ» (طوسی،۱۴۱۱، ج۲، ص ۶۹۶). برخی از این تقدّم چنین برداشت کرده‌اند که مقصود اصلی خدا مژده دادن است(فخرالدین رازی،۱۴۱۳ ق، ج ۶، ص ۱۵). سنّت تبشیر و انذار، گوهر رسالت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله به شمار رفته است و از این رو در هر دو دوره مکی و مدنی استمرار یافته و به عنوان منصب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از آن یاد شده است: « و ما ارسلناک الا مبشراً و نذیراً » (فرقان، ۵۶)؛ «و تو را جز بشارتگر و بیم دهنده نفرستادیم».

قرآن بشارت‌هایی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بازگو می‌کند که مخاطب آن افرادی ویژه اند: مانند شکیبایان (بقره/ ۱۵۵)، فروتنان(حجّ / ۳۴)، نیکوکاران(حجّ / ۳۷)، دوری کنندگان از طاغوت، بازگشتگان به سوی خدا و آنان که از بهترین سخن‌ها پیروی می‌کنند(زمر/ ۱۷ و ۱۸). در آیه ۱۱۲ توبه نیز به صفات متعددی از مؤمنان اشاره کرده و به آنان مژده داده است. عدم ذکر چیزی که به آن بشارت داده شده، برای نشان دادن عظمت بشارت دانسته شده است(طباطبایی، ۱۴۱۷، ج۱، ص ۳۵۸). یا اینکه مژده در بر دارنده هر خیر و سعادت و هر آن چیزی است که باعث شادی قلب و روشنی چشم‌هایشان شود(مکارم شیرازي و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۵۳).

به پیروی از قرآن کریم، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام نیز در راستای تهذیب تربیت جامعه‌ی اسلامی از مژده دادن درستکاران به نعمت‌های الهی و ترساندن بدکاران از عذاب خداوند بهره فراوانی بردند که منابع حدیثی ما سرشار ازاین‌گونه احادیث نورانی است. مرحوم شیخ مفید نقل می‌کند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ... يَذْكُرُ السَّاعَةَ وَ قِيَامَهَا حَتَّى كَأَنَّهُ مُنْذِرُ

جَیْشٍ»(شیخ مفید،۱۴۱۳ ق، ص۲۱۱)؛ «هرگاه رسول خداﷺ با امت خود از جهنّم سخن می‌گفت مانند فرماندهی که لشکر خود را از هجوم ناگهانی دشمن خبردار می‌کند به آن هشدار می‌داد».



### گفتار دوم: روش ارسال نامه

یکی دیگر از روش‌های تبلیغی رسول اکرمﷺ ارسال نامه بود. پیامبر اسلامﷺ مسئله دعوت زمامداران را مانند سایر مسائل مهم، در یک شورای بزرگ مطرح ساخت. وی‌ﷺ روزی به یاران خود چنین فرمود: بامدادان همگی حاضر شوید تا امر مهمی را با شما در میان بگذارم. فردای آن روز، پس از ادای فریضه صبح به یارانش فرمود: بندگان خدا را نصیحت کنید؛ کسی که سرپرست امور مردم شد و در هدایت و راهنمایی آنان نکوشید، خدا بهشت را بر او حرام کرده است. برخیزید و پیک رسالت، در نقاط دور دست شوید و ندای توحید را به سمع جهانیان برسانید، ولی هرگز مانند شاگردان حضرت عیسیؑ با من مخالفت نکنید. از حضرتش سؤال کردند که آن‌ها چگونه با عیسیؑ از در مخالفت وارد شدند؟ فرمود: او نیز مانند من گروهی را مأمور ساخت که پیک رسالت در نقاطی باشند، دسته‌ای که راه آن‌ها نزدیک بود، فرمان او را پذیرفتند، ولی کسانی که راه آن‌ها دور بود، از پذیرفتن فرمان وی سرپیچی کردند. سپس، پیامبرﷺ شش نفر از ورزیده‌ترین افراد را طی نامه‌هایی- که رسالت جهانی آن حضرتﷺ در آن‌ها منعکس بود- به نقاط مختلف روانه کرد. بدین ترتیب، سفیران هدایت در یک روز رهسپار سرزمین‌های ایران، روم، حبشه، مصر، یمامه، بحرین و حیره (اردن) شدند (سبحانی، ۱۳۸۵، ص:۶۹۵).

وقتی نگارش و تنظیم نامه‌های پیامبر پایان یافت، افرادی که از وضع دربارهای آن روز اطلاع داشتند، به پیامبرﷺ عرض کردند که باید نامه‌ها را مهر بفرمایید؛ زیرا زمامداران جهان نامه بی امضا را نمی‌خوانند. از این نظر به دستور پیامبر، انگشتری از نقره برای او تهیه گردید که جمله «محمد رسول اللّه» در سه سطر بر آن حک شده بود. شکل حکاکی آن طوری بود که لفظ «اللّه» در بالا و «رسول» در وسط و «محمد» در زیر قرار گرفته بود و این دقت برای

حفظ از جعل و تزویر بود و خواننده باید امضا را از پایین شروع کرده به لفظ اللّه برسد وی حتی به این اکتفا نکرد و پاکت نامه را با موم خاصی –به جای «لاک» امروز– چسبانید و روی آن را مهر زد(همان).

### گفتار سوم: روش چهره به چهره

تبلیغ چهره به چهره یکی از موثرترین شیوه‌های تبلیغی است که از دیرباز مورد استفاده مبلغان دینی بوده و امروزه نیز نیاز به استفاده از این روش برای نشر معارف دینی مشهود است. این روش ریشه در سیره تبلیغی رسول اکرمﷺ دارد. در این روش مبلغ، خود و بدون حضور فرد یا گروه دیگری، با مخاطب ارتباط برقرار کند و او را با مبانی و اندیشه‌های خویش همراه سازد. یکی از کارهای رسول خداﷺ در راه تبلیغ دین اسلام در کنار تبلیغ گروهی و دسته‌جمعی، توجه به تبلیغ خصوصی بود.

از جالب‌ترین و کارآمدترین شیوه‌های عملی در سیره تبلیغی پیامبرﷺ توجه به تک‌تک افراد و گلچین کردن آن‌ها از میان جماعت بود؛ امری که امروزه در عصر ارتباطات و تبلیغات، از مهم‌ترین مسائل محسوب می‌شود. پیامبرﷺ در این شیوه همانند یک طبیب دلسوز به دنبال بیماران بود تا آنان را از طریق نور اسلام از امراض باطنی برهاند. امیر مؤمنانؑ در کلامی زیبا، این ویژگی پیامبرﷺ را چنین توصیف می‌کند: «طَبِیبٌ دَوَّارٌ بِطِبِّهِ قَدْ أَحْکَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَی مَوَاسِمَهُ یَضَعُ ذَلِکَ حَیْثُ الْحَاجَةُ إِلَیْهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمْیٍ وَ آذَانٍ صُمٍّ وَ أَلْسِنَةٍ بُکْمٍ وَ یَتَتَبَّعُ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَیْرَةِ » (آمدی، ۱۳۶۶، ص۱۰۹)؛ پیامبر ﷺ طبیبی است که برای درمان بیماران سیّار است. مرهم‌های شفا بخش او آماده و ابزار داغ کردن زخم‌ها را گداخته برای شفای قلب‌های کور و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های لال، آماده و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است.»

پیامبرﷺ در طول سه سال اول بعثت از میان جوانان عضوگیری کرد(ابن‌هشام، بی تا ج۱، ص۲۴۱)؛ چرا که از نظر فکری و روحی، آمادگی بیشتری داشتند و کمتر به سراغ افراد مسن

می‌رفت که قلبشان با سنت‌های جاهلی و سنت پرستی آلوده بود. ایشان، طی این سه سال توانست گروهی را هدایت کند(سبحانی، ۱۳۸۵، ص:۲۴۸) و پایه‌های نهضت اسلامی را استحکام بخشد. این امر، زمینه عمومی کردن دعوت اسلامی را فراهم ساخت؛ ازجمله این افراد می‌توان به حضرت علی علیه‌السلام و خدیجه علیهاالسلام نخستین مرد و زن مسلمان و نیز بلال حبشی، عمار، زیدبن‌حارثه، جعفربن ابی‌طالب و... اشاره کرد (همان، ص:۲۳۳).

تبلیغ خصوصی و به‌عبارت‌دیگر فردسازی، از ویژگی‌هایی برخوردار است:

أ. ایجاد پیوندی دوستانه با فرد با هدف القای بهتر عقاید؛

ب. برقراری ارتباط با مخاطب بر اساس نیاز وی برای القاء مطالب در ذهن او با هدفِ نمودِ آن‌ها در رفتارش.

از ابوعبدالرّحمان سلمی روایت کرده‌اند که گفت: برخی از اصحاب پیغمبر ﷺ که به ما قرآن می‌آموختند، می‌گفتند: اصحاب، قرآن را ده آیه ده آیه از پیامبر ﷺ تعلیم می‌گرفتند و تا زمانی که علم ده آیه را درست نمی‌آموختند و به آن‌ها عمل نمی‌کردند به ده آیه دیگر نمی‌پرداختند ( حکیمی، ۱۳۸۰، ج۲، ص۱۲۵).

ج. ارتباط پیوسته با مخاطب؛ نمونه بارز این ویژگی در سیره تبلیغی رسول‌الله ﷺ پیمان عقبه است. زمانی که گروهی شش‌نفره از قبیله خزرج در ایام حج، خدمت رسول خدا ﷺ رسیدند، مسلمان شدند و به مدینه بازگشتند، فعالیت مستمری داشتند تا اینکه در سال بعد – دوازدهم بعثت– هیئتی دوازده نفره از مدینه برای دیدار با پیامبر ﷺ به مکه رهسپار شدند که به بسته شدن نخستین پیمان عقبه، به نام بیعهٔالنساء منجر شد. پس از بازگشت این هیئت به مدینه و تبلیغات پیگیر آنان، با ارسال نامه‌ای به پیامبر ﷺ، خواستار فرستادن مبلغ شدند تا قرآن را به آنان بیاموزد؛ ازاین‌رو پیامبر مصعب بن عمیر را برای آموزش و تربیت آن‌ها فرستاد(سبحانی، ۱۳۸۵، ص۳۹۴). یک سال بعد در سال سیزدهم بعثت، اهل مدینه با شور و اشتیاق فراوان، آماده مراسم حج می‌شدند تا ضمن به جا آوردن اعمال حج، از نزدیک با پیامبر دیدار کنند. در این سفر نیز پیمان عقبه دوم با نام بیعهٔ الحرب بسته شد. این دو پیمان حاصل پیگیری‌های پیوسته پیامبر ﷺ و هیئت مدینه بود(ابن‌سعد، ۱۳۷۴، ج۱، ص ۲۰۷).

د. استفاده از تمام موقعیت‌ها و شرایط برای تبلیغ؛ برخلاف تبلیغ ناپیوسته که در ایام خاصی صورت می‌گیرد، تبلیغ خصوصی از محدودیت زمانی برخوردار نیست. در این نوع تبلیغ، مبلغ از شرایط موجود به بهترین گونه برای عرضه اندیشه‌های خود به طرف مقابل بهره می‌گیرد.

ملاقات با قبایلی که در موسم حج به مکه می‌آمدند، نمونه خوبی در این باره است. پیامبرﷺ در موسم حج با شش نفر از قبیله خزرج ملاقات کرد و به آن‌ها گفت: آیا شما با یهود هم پیمانید؟ گفتند: بلی. فرمود: بنشینید تا با شما سخن بگویم. آنان نشستند و سخنان پیامبرﷺ را شنیدند. پیامبرﷺ آیاتی چند تلاوت کرد و سخنان رسول گرامیﷺ تأثیر عجیبی در آن‌ها نهاد که در همان مجلس ایمان آوردند. چیزی که به گرایش آنان به اسلام کمک کرد این بود که آنان از یهودیان شنیده بودند پیامبری از نژاد عرب که مروج آیین توحید خواهد بود و حکومت بت‌پرستی را منقرض خواهد ساخت، به این زودی مبعوث خواهد شد؛ لذا با خود گفتند: پیش از آن‌که یهودیان پیش‌دستی کنند ما یاری‌اش کنیم.

گروه مزبور، رو به پیامبرﷺ کرده و گفتند: میان ما آتش جنگ پیوسته فروزان بوده، امید است که خداوند به سبب آیین پاک تو، آن را فرو نشاند. ما اکنون به سوی یثرب برمی‌گردیم و آیین تو را عرضه می‌داریم. هرگاه همگی اتفاق بر پذیرفتن آن کردند، گرامی‌تر از شما کسی برای ما نیست. این شش نفر فعالیّت پی گیری برای انتشار اسلام، در میان یثرب آغاز کردند؛ به‌طوری که خانه‌ای نبود که در آن‌جا سخن از پیامبرﷺ نباشد.

همچنین ایشان در سفری به طایف، پس از مواجهه با مخالفت اشراف و بزرگان قبیله ثقیف و آزار اراذل آنجا به تحریک بزرگان، به‌ناچار به داخل باغی پناه برد که صاحبان آن، عتبه و شیبهٔ بن ربیعهٔ از بت‌پرستان بودند. آنها با دیدن وضع وخیم حضرتﷺ متأثر شدند و غلام مسیحی خود عداس را با ظرفی پر از انگور، نزد وی فرستادند.

عداس با شنیدن کلمه «بسم الله» از حضرتﷺ، هنگام خوردن انگور، تعجب کرد و به فکر فرو رفت. سپس مهر سکوت را شکست و گفت: «مردم شبه‌جزیره با چنین کلامی آشنایی ندارند و من تا به حال چنین سخنی را نشنیده‌ام. مردم این دیار کارهای خود را با نام لات و

عزی آغاز می‌کنند». پس از اینکه سخنانی میان آن دو رد و بدل شد، عداس اسلام آورد، خم شد و دست و پای پیامبرﷺ را بوسید (رسولی محلاتی، ۱۳۷۵، ص۲۷۱).

ه. برخورد محبت‌آمیز؛ پیروزی پیامبر اسلامﷺ هر چند با تأیید و امداد الهی بود؛ ولی از نظر ظاهر عوامل زیادی داشت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها جاذبه اخلاقی پیامبرﷺ بود. آن‌چنان صفات عالی انسانی و مکارم اخلاق در او جمع بود که دشمنان سرسخت را تحت تأثیر قرار می‌داد و به تسلیم وادار می‌کرد و دوستان را سخت مجذوب می‌ساخت.

در فتح مکه هنگامی که مشرکان خون‌خوار و جنایت‌پیشه که سالیان دراز هر چه در توان داشتند بر ضد اسلام و شخص پیامبرﷺ به کار گرفتند، در چنگال مسلمین گرفتار شدند، پیغمبر اکرم ﷺ بر خلاف تمام محاسبات دوستان و دشمنان فرمان عفو عمومی آن‌ها را صادر کرد و تمام جنایات آن‌ها را به دست فراموشی سپرد و همین سبب شد که به مصداق «یَدْخُلُونَ فِی دِینِ اللَّهِ أَفْواجاً»فوج فوج مسلمان شوند.

در حدیثی از حسین بن علی‌ؑ آمده است که می‌گوید: از پدرم امیر مؤمنان علی‌ؑ درباره ویژگی‌های زندگی پیامبرﷺ و اخلاق او سؤال کردم و پدرم مشروحاً به من پاسخ فرمود. در بخشی از این حدیث آمده است: «رفتار پیامبرﷺ با هم‌نشینانش چنین بود که دائماً خوشرو و خندان و ملایم بود، هرگز خشن و سنگدل و پرخاشگر و بدزبان و عیب‌جو و مدیحه‌گر نبود، هیچ‌کس از او مأیوس نمی‌شد و هر کس به در خانه او می‌آمد نومید باز نمی‌گشت: سه چیز را از خود رها کرده بود: مجادله در سخن پرگویی و دخالت در کاری که به او مربوط نبود، و سه چیز را در مورد مردم رها کرده بود: کسی را مذمت نمی‌کرد، و سرزنش نمی‌فرمود، و از لغزش‌ها و عیوب پنهانی مردم جستجو نمی‌کرد. هرگز سخن نمی‌گفت مگر در مورد اموری که ثواب الهی را امید داشت، در موقع سخن گفتن به‌قدری نافذ الکلمه بود که همه سکوت اختیار می‌کردند و تکان نمی‌خوردند، و به هنگامی که ساکت می‌شد آنها به سخن درمی‌آمدند؛ اما نزد او هرگز نزاع و مجادله نمی‌کردند ... هر گاه فرد غریب و ناآگاهی با خشونت سخن می‌گفت و درخواستی می‌کرد تحمل می‌نمود و به یارانش می‌فرمود: هر گاه کسی را دیدید که

حاجتی دارد به او عطا کنید، و هرگز کلام کسی را قطع نمی‌کرد تا سخنش پایان گیرد»( مکارم شیرازي و همکاران، ۱۲۷۴، ج ۲۴، ص ۳۷۸).

## مبحث دوم: روش‌های غیرمستقیم

دسته دوم از روش‌های تبلیغی پیامبر اسلامﷺ روش‌های غیرمستقیم است. در این روش‌ها، مبلغ پیام خویش را نه با صراحت بلکه به صورتی آن را به فرد یا گروهی منتقل می‌کند که در عین‌حالی که آن شخص یا گروه، خطاب را متوجه خود احساس می‌کند، از تحریک احتمالی احساسات و عواطف آن‌ها و احیاناً مقاومت در پذیرش آن نیز جلوگیری می‌کند. اهمیت این روش وقتی نمودار می‌شود که به کم اثر بودن روش مستقیم به‌ویژه در جهان امروز و بخصوص نسبت به نسل جوان توجه داشته باشیم. در سیره رسول خداﷺ آمده است: «هرگاه از کسی کاری که در نظر آن حضرت ناخوشایند بود، صادر می‌شد نمی‌گفت چرا فلان شخص این کار را کرده است؛ بلکه می‌فرمود: چه شده است گروه‌هایی از مردم را که این‌گونه عمل می‌کنند و این چنین می‌گویند. بدین‌صورت آن حضرت از آن کار نهی می‌کرد بی‌آنکه نامی از کننده آن عمل به میان آورد»(موسوي کاشمري، ۱۳۸۶،ص۱۶۷). در ادامه به چند نمونه از روش‌های غیر مستقیم در سیره‌ی تبلیغی رسول اکرمﷺ اشاره می‌کنیم.

### گفتار اول: آموزش عملی

امام صادقؑ فرمودند: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُم؛ دعوتگر مردم بدون زبان ( بلکه با عمل) باشید»(کلینی،، ۱۴۰۷ ق، ج۲، ص۷۸). هنگامی که مبلغ خود به آنچه که می‌خواهد بگوید، عمل کند تأثیر آن بیشتر خواهد بود. مهم‌ترین روشی که رسول اکرمﷺ در تبلیغ دین از آن استفاده می‌کرد، روش عملی بود. رسول خداﷺ علاوه بر اینکه خود اسوه عمل بود، سعی می‌کرد دیگران را نیز طوری تربیت کند که سخنانشان با رفتارشان مطابق باشد تا در شنونده بیشتر اثر کند. وقتی مسلمانان می‌دیدند پیامبر اسلامﷺ به سخنان و عقاید خود پایبند است، بیشتر گرایش پیدا می‌کردند. چون بهترین موردی که می‌تواند تجلی عقاید

یک فرد باشد همان عمل اوست و تربیت بیش از آنچه از طریق گفتار صورت می‌گیرد، از عمل می‌تواند انجام شود و آثار عمل مربی سال‌ها در ذهن شاگرد باقی می‌ماند.

پیامبر اکرمﷺ با ارائه الگوی انسان کامل در زندگی شخصی و عملی خویش، مبلغ واقعی دین و آیین خدا گردید. این عمل بسیار تأثیرگذار بود به‌گونه‌ای که حتی کسانی را که افکار انحرافی در سر می‌پروراندند به‌طرف خود جذب نمود. این روش تبلیغی پیامبرﷺ برگرفته از آموزه‌های قرآنی است(صف، ۲).

یک فرق میان مکتب انبیا و مکتب فلاسفه و حکما این است که حکما اهل نظریه و تعلیم و تدریس می‌باشند و سروکارشان تنها از راه زبان با افکار و ادراکات بشر است؛ ولی پیامبران به آنچه می‌گویند قبل از آنکه از دیگران تقاضای عمل بکنند، خودشان عمل می‌کنند و لذا تا اعماق روح بشر نفوذ می‌نمایند. قلب و احساسات بشر را تحت تصرف خویش درمی‌آورند. اولیای دین مردم را با عمل خود تحت تأثیر قرار می‌دادند. اگر مبلغ بدون عمل باشد، آن عمل به هدف نمی‌رسد.

### گفتار دوم: نمایش عملی

انجام یک عمل، کشیدن یک تصویر و استفاده از حرکات دست از جمله نمونه‌های نمایش عملی است. نقل شده است که پیامبر هنگام آموزش نماز به مسلمانان بر مکان مرتفعی قرار گرفت تا همه او را ببینند. آنگاه فرمود: «صَلُّوا کَمَا رَأَیْتُمُونِی اُصَلّی» (حلی،۱۹۸۲، ص۴۲۳)؛ «این‌گونه که من نماز به جای می‌آورم، شما هم آن را بر پا دارید»

### گفتار سوم: روش ارائه الگو

رسول اکرمﷺ بارها علیؑ و اهل‌بیتشؑ را به‌عنوان بهترین الگو معرفی می‌کردند. در قرآن کریم نیز برای تربیت عملی انسان در وجوه مختلف الگو معرفی شده است. ارائه الگو می‌تواند رازهای گوناگونی داشته باشد. با توجه به اینکه حیات انسان از آغاز تا انجام با رنج و مشقت آمیخته است، ارائه الگویی موفق که در مسیر زندگی بر مشکلات فائق آمده و راه سعادت را پیموده باشد می‌تواند مایه تأسی و موجب آرامش خاطر انسان شده و روح

تلاش و کوشش را در او تقویت کند؛ چنان‌که بررسی سیاق آیاتی که در آن‌ها واژه اسوه به‌کار رفته و سخن از سختی‌ها و ناملایمات جنگ پیامدهای ناشی از بیزاری جستن از کافران به میان آمده می‌تواند مؤید این راز باشد.

گاهی شخصی در اثر شکست‌ها و ناکامی‌های روحی، در خود احساس نقص و عقب‌ماندگی می‌کند و برای جبران و پاسخگویی به این احساس، به‌طور ناخودآگاه، شخصی را که در جامعه از اعتبار و شخصیت قابل احترامی برخوردار است، در ذهن خود مجسم کرده و رفتار و منش او را در عمل تقلید می‌کند، حتی شیوه راه رفتن و سخن گفتن و چیزهایی از این قبیل را نیز از او نمونه می‌گیرد. این حالت اگر به صورت افراطی درآید، برای سلامت و تعادل روانی شخص مضر است؛ زیرا در این صورت، به تدریج حالت ازخودبیگانگی و خود فراموشی به انسان دست داده و او را از داشتن زندگی و مشی طبیعی و خردمندانه دور می‌سازد. گرچه این امر اگر به گونه معتدل و به دور از حالت‌های افراطی انجام گیرد و شخص با استفاده از آن، صفات و اخلاق خوب شخص مورد تقلید خود را در خویش پیاده کند، آثار مفید و سودمندی خواهد داشت. این موضوع در روانشناسی از «مکانیسم‌های روانی» برای جبران نیازمندی‌های برآورده نشده روحی شمرده‌شده و از آن به عنوان «همانندسازی» یاد می‌شود(نوری، بی‌تا ص۴۹ – ۵۳).

## گفتار چهارم: بیان تاریخ و سرنوشت گذشتگان

یکی از روش‌هایی که در زندگی و شخصیت افراد، اثر جدی دارد، بیان تاریخ و سرگذشت انسان‌ها است. دکتر میلتون اریکسون –روان‌پزشک– در جلسات درمانی‌اش در سطح بسیار وسیعی از قصه استفاده کرده است. او می‌گوید از داستان برای انتقال ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی می‌شود استفاده کرد. قصه همانند مایع شیرینی است که بلعیدن قرص تلخ را راحت‌تر می‌کند. بسیاری از مطالبی اگر به‌صورت مستقیم گفته شود در همان ابتدا باعث مخالفت و موضع‌گیری مخاطب می‌شوند؛ اما در قالب یک قصه نه‌تنها به‌راحتی شنیده می‌شود، بلکه تأثیر فراوانی نیز خواهند داشت (ماویانی، ۱۳۸۹، ص۱۶۷).

رسول اکرمﷺ در سیره تبلیغی خود از بیان تاریخ و سرگذشت امت‌های پیشین استفاده می‌کرد. قرآن کریم درباره‌ی نقش بیان تاریخ گذشتگان می‌فرماید:«لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ...» (یوسف، ۱۱۱)؛ «به‌راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است».

این روش پیامبرﷺ در واقع روش تبلیغی قرآن است که در یک بخش مهم، از سرنوشت ملت‌های گذشته و تاریخ آنان که در عبرت‌آموزی و پند گیری و انذار افراد مؤثر است، بیان کرده است (مریم، ۱۶، ۴۱، ۵۱، ۵۴، ۵۶).

هنگامی‌که سرگذشت امت‌های پیشین برای مخاطبان بیان می‌شود، دگرگونی‌های زندگی، حوادث و تحولات تاریخی، احوال امت‌ها، حیات و مرگ تمدن‌ها، عظمت و انحطاط دولت‌ها، سرنوشت و فرجام قدرتمندان و بیدادگران در پیش چشم آنان مجسم می‌شود؛ هر کس که اهل دیدن و اندیشیدن و دریافتن باشد، راه می‌نماید و از بدی به نیکی و از تاریکی به روشنایی سیر می‌کند.

## مبحث سوم: رعایت اصل گام به گام در روش‌های تبلیغ

تحوّلات و تغییرات اجتماعی و فردی یک کار مکانیکی نیست؛ بلکه حرکتی دینامیکی است که به‌موجب آن باطن و محتوای درونی انسان‌ها تغییر می‌یابد و به‌واسطه آن مظاهر کلی و عمومی اجتماع هم تغییر می‌کند. بدین جهت باید بدانیم که مهم‌ترین شرط موفقیت یک تحوّل اجتماعی این است که به فطرت انسان راه یابد و با آن هماهنگ و متناسب شود و با خواست‌ها و نیازهای ضروری او مغایر نباشد و گرنه دیر یا زود با شکست روبرو خواهد گشت.

اگر راه و روش دعوت اسلامی را کاملاً بررسی کنیم درمی‌یابیم که این دعوت بزرگ به‌صورت گام به گام شروع شد. اسلام ابتدا به تغییر عقاید مردم و افکار آنان پرداخت. و آنگاه برای آنان قوانین و تعالیمی که فرد و اجتماع را نظم دهد وضع نمود؛ زیرا برای انسان آسان است که اندیشه‌ای را که سابقاً به آن متّکی بوده است تغییر دهد و از اندیشه جدیدی که دلیل بر رجحان آن داشته باشد پیروی کند؛ درحالی‌که برای او بسیار دشوار است روش ارتباط‌ها و رفتارهایی را که بر او غالب شده و بدان خو گرفته است را به‌زودی عوض کند. همین قضیّه را

از دقّت در آیاتی که در مکه نازل شده است به‌طور روشن در می‌یابیم. این آیات به‌طورکلی آیات مربوط به عقاید است. امّا آیاتی که پس از هجرت نازل گردیده است غالباً تشریعی و مربوط به اعمال و رفتارهاست(رادمنش، ۱۳۷۴، ص۸۸).

رسول خداﷺ رسالت پر ارج خود را با دعوت از خانواده نزدیکش آغاز نمود: «وَ اَنْذِرْ عَشِیرَتَکَ اَلْاَقْرَبِین» (شعرا/ ۲۱۴)؛ «و خویشاوندان نزدیکت را انذار کن». آنگاه دعوت را گسترش داد و به مردم اطراف خویش رسانید(انعام/ ۹۲؛ حجر/۹۴) سپس سلاطین و رؤسای عالم را مخاطب ساخت و اسلام را به آنان پیشنهاد نمود(سبحانی، پیشین)؛ زیرا او رسول خدا بر همه مردم جهان است«وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلَّا کَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِیراً وَ نَذِیراً » (سباء/ ۲۸) «و ما تو را جز برای همه مردم نفرستادیم تا (آنها را به پاداشهای الهی) بشارت دهی و (از عذاب او) بترسانی؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند»؛ بنابراین همان‌گونه که شیطان انسان را گام‌به‌گام به فساد می‌کشاند(بقره/ ۱۶۸)، اصلاح انسان نیز باید گام‌به‌گام باشد. در مورد تحریم شراب، این شیوه را مشاهده می‌کنیم. شراب‌خواری در چند مرحله منع شد:

در مرحله اول قرآن فرمود« {تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَکَراً وَ رِزْقاً حَسَناً» (نحل/ ۶۷)؛ «از انگور، هم رزق نیکو ساخته می‌شود و هم مایع مست‌کننده» و این مطلب اشاره به این است که مایع مست‌کننده نیکو نیست. در مرحله دوم فرمود: «و مَنافِعُ لِلّناسِ‌وَ اثْمُهُما اکْبَر...» (بقره/ ۲۱۹)؛ «گرچه در قمار و شراب منافعی به چشم می‌خورد، ولی ضرر آن‌ها بیشتر است». با این بیان، منکَر بودن شراب را اعلام می‌کند. در مرحله سوم فرمود: «لا تَقْرَبُوا الصَّلوَة وَ اَنْتُمْ سُکارَی» (نساء/ ۴۳)؛ «هنگام نماز، مست نباشید». در مرحله چهارم فرمود: « نَّما الْخَمْرُ وَ الْمَیْسِرُ ... رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّیْطان» (مائده/ ۹۰)؛ «شراب به کلی حرام است؛ خواه مست بشوید یا نشوید؛ کم باشد یا زیاد؛ هنگام نماز باشد یا غیر نماز».

در مورد ربا نیز این مراحل به چشم می‌خورد. ربا در چند مرحله رد شد:

در مرحله اول قرآن می‌فرماید: « فَلا یَرْبُوا عِنْدَاللَّه» (روم/ ۳۹)؛ «سودی که به مال شما از طریق ربا اضافه می‌شود، نزد خدا افزایش نیست». در مرحله دوم قرآن، رباخواری را از عادات زشت یهودیان می‌شمارد (نساء/ ۱۶۱). مرحله سوم، انسان را از ربای مضاعف و زیاد نهی می‌کند «لا تَأْکُلُ الرِّبا اضْعَافاً مُضَاعَفَة» (آل عمران/ ۱۳۰) و در مرحله چهارم، ربا گرفتن را به منزله اعلام جنگ با خدا می‌داند: «فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَ سُولِه»(بقره/ ۲۷۹). مسئله تدریج و حرکت گام‌به‌گام، یکی از اصول مهم تربیتی به شمار می‌رود.

## نتیجه

روش‌های تبلیغی که در این تحقیق بررسی شد تمام روش‌هایی نیست که رسول اکرمﷺ برای گسترش اسلام به کار گرفتند؛ بلکه ایشان از هر روشی که با فرمان‌های الهی و اصول انسانی منافات نداشت، برای گسترش دین بهره می‌گرفت و همین باعث شد که با بهره‌گیری از روش‌های مختلف در مدتی کوتاه از یک مصلح تنها و بی‌یاور به یک قدرت جهانی و پایدار تبدیل شود.

باید توجه داشت که به‌کارگیری این روش‌ها بستگی به شرایط زمانی و مکانی دارد؛ اما بعضی از این روش‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌عنوان‌مثال یکی از روش‌های مهمی که رسول اکرمﷺ در تبلیغ دین از آن استفاده می‌کرد، روش عملی بود. رسول خداﷺ علاوه بر اینکه خود اسوه عمل بود، سعی می‌کرد دیگران را نیز طوری تربیت کند که سخنانشان با رفتارشان مطابق باشد تا در شنونده بیشتر اثر کند. وقتی مسلمانان می‌دیدند پیامبر اسلامﷺ به سخنان و عقاید خود پای‌بند است بیشتر گرایش پیدا می‌کردند. چون بهترین موردی که می‌تواند تجلی عقاید یک فرد باشد همان عمل اوست.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که شناخت و به‌کارگیری روش‌های تبلیغی رسول اکرمﷺ به‌تنهایی کافی نیست بلکه باید در کنار شناخت این روش‌ها، عوامل دیگری که در موفقیت آن حضرت تأثیر داشت را نیز بررسی کرد. ازجمله می‌توان به سعه‌صدر و تحمل

فوق‌العاده (انشراح/۱)، خلق عظیم (قلم/۴)، تواضع و فروتنی(آل عمران/۱۵۹) و ... اشاره کرد. نکته‌ی آخر اینکه آنچه در تمام این روش‌ها مددکار پیامبرﷺ بود، باور قلبی او به هدفش بود. بالاترین عامل توفیق تبلیغی حضرت محمدﷺ استقامت و پشتکار او است که از ایمان و باور او به هدف مقدسش نشأت‌گرفته است.

## منابع


- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه.
- ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، چ۳، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ج۸.
- ابن‌سعد محمد، (۱۳۷۴). طبقات‌الکبری ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ابن‌هشام، عبدالملک، (بی تا)، السیرةالنبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة، ج۱.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۷۷)، سیره تبلیغی پیامبر اکرمﷺ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، چ۱، قم:، دفتر تبلیغات.
- حکیمی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، الحیاة، ترجمه احمد آرام، ج۲، چ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۹۸۲)، نهج الحقّ و کشف الصدق، چ۱، بیروت: دار الکتاب اللبنانی.
- رادمنش، سید محمد، ( ۱۳۷۴) آشنایی با علوم قرآنی، چ۴، تهران، نشر جامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ( ۱۴۱۲ ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار العلم.
- روح‌الله، خمینی، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ج۱۷.
- زبیدی، مرتضی، محمد بن محمد، (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس، مصحح علی شیری، بیروت: دار الفکر.

- سبحانی جعفر، (۱۳۸۵). فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبر اکرمﷺ، چ۲۱ قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۳ ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: اسلامی، ج۱.
- فخرالدین رازی ابوعبدالله محمد بن عمر، (۱۴۱۳ ق) مفاتیح الغیب، چ۴ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۶.
- قرائتی، محسن، (۱۳۸۹) اصول عقاید، چ۸، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
- کاویانی، محمد، (۱۳۸۹)، روان‌شناسی و تبلیغات(با تاکید بر تبلیغ دینی) چ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کرمی، رضاعلی، (۱۳۸۳) روش تبلیغ، راه قرآن، ششم.
- کلینی، محمدبن (۱۴۰۷ ق)، یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج۲، چ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیۀ.
- گلستانی، غلام نبی، «تاکتیک ها و روش های پیامبر (ص) در ابلاغ رسالت» مجله اندیشه حوزه، ش۶۶ مهر و آبان ۱۳۸۶ ص ۵۷ تا ۸۴.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوارالجامعۀ لدرر أخبار الأئمۀ الأطهار، چ۲، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ج۹.
- محلاتی، سید هاشم رسولی، ۱۳۷۵، زندگانی محمدﷺ، چ۵، قم: کتابچی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتاب السلامیه، ج ۸.
- موسوی کاشمری، سیدمهدی، (۱۳۸۶)، روش‌های تربیت،چ۲، قم: بوستان کتاب.
- نوری، مهدی، (بی‌تا)، تکامل شخصیت، کرج: دانشگاه آزاد اسلامی.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، (۱۳۸۴)، فرهنگ قرآن، قم: موسسه بوستان کتاب.
- الهی، عمار، (بی‌تا)، سفیران سعادت، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.